



صنعتگران و خوشنویسان برت

در عصر تیموریان



(۱۳)

عبدالله مروارید: خواجه عبدالله مروارید (متخلص به بیانی) پسر خواجه شمس الدین محمد مروارید کرمانی است خواجه شمس الدین محمد مروارید که از اجلة اشراف و اعیان کرمان بود، در زمان تسلط میرزا جهانشاه کرمان (که طبعا بعد از سنه ۸۵۰ هجری که تاریخ وفات شاهرخ است اتفاق افتاده) ۴-رات آمده و در ۸۶۳ موقعا به سلطان ابوسعید کورگانی برای دفعه دوم از بخارا و سمرقند بجا ابهرات حرکت نموده آنها از دست میرزا جهانشاه بدر آورد، هم کسب سلطان ابوسعید گردیده در سلك وزراء با اعتماد او درآمد و در ۸۷۲ هـ-کامیکه سلطان ابوسعید بعزم تسخیر عراق و آذربایجان رهسپار گردید خواجه شمس الدین محمد بموجب فرمان او بطرف سمرقند حرکت کرد چون سلطان ابوسعید در آن سفر به جنگ کرمانان آق قویونلو کشته شد، خواجه شمس الدین مهدنی در

ماوراء النهر مانده موقعیکه سلطان حسین بایقرا بر تخت سلطنت هرات جلوس نمود و ایس بهرات آمده بدر بار او بصوت دائمی کمر خدمت بر بست و بر تبه وزارت رسید بعد از چندی از تبه وزارت استعفاداده عزلت گزین شد و از طرف حسین بایقرا منصب شایخ ولایت مزارخواجه عبدالله انصاری رحمه الله علیه بدو سپرده شد و تا آخر حیات به همین وظیفه مشغول بود تا آنکه در سنه ۹۰۴ فوت کرد.

خواجه عبدالله مروارید پسر او که از جمله هنروران بزرگ و خوشنویسان تبار دست شام میروود در هرات تربیت یافته و بزمان سلطان حسین بایقرا همزیسته است. با اثر تعلیم و توجهات استادان هرات و همچنین بر حسب شفقت و ملاحظه شاهانه این سلطان هنرپرور، و وزیر فرزانه او میر علی شیر نوائی خواجه عبدالله نه تنها در خوشنویسی از سر آمدان عهد خود شد بلکه در شعر سرائی و عزف خوانی و آواز و موسیقی نوازی هم از استادان بزرگ بشمار میرفت اشعار بسیار خوب دارد و بیانی تخلص میکرده از اوست:

خوش آن زمان که خطت کرد آن عذار نبود

میان حسن تو و عشق من غبار نبود

نمود چون تو گلی درمه کبودی چرخ

دمی که باغ رخسار را بنفشه زار نبود

بش ب رساند خطت روز بقراری من

و گرنه بیتو مرا روز و شب قرار نبود

عبدالله مرواریدی اندازه مورد الطاف سلطان حسین بایقرا و میر علی شیر نوائی واقع بود. در بهار شباب و جوانی به منصب صدارت نائل شد بعد از چندین خدمت و جان فدا ری با آخره عزلت نشین گردیده از وزارت و صدارت دست کشید و مدت سه سال بدون آنکه مقید به منصبی باشد بحضور حسین میرزا صاحب داشت بقول صاحب حمیب السیر مجدداً بر حسب فرمان شاهانه بمنصب رسالت و پروانه که در زمان سلاطین تیموری از مناصب بزرگ دولت بود سرافراز گردید و بعد از چندی از آن تبه هم ارتقا جسته بهرتبه ابراهیم را عظام رسید و جای امیر علی شیر

نوائی را احراز نمود (۱) ولی بعد از فوت سلطان حسین میرزا اکثر او قسات را به کتبات قرآن مجید و در او بن شعراء بزرگ می گذرانید تا آنکه در ۹۲۲ فوت کرد.

عبدالله آشپز: از هنروران و خطاطان معروف هرات است. تحصیلات خود را در ابتدا به هرات تکمیل نموده و مدبوسوی بغداد عزیمت کرده است. در ۸۱۴ متولد گردیده و در پی تحصیل خط زحمات و مشکلات زیاد را در زندگانی متحمل شد. است این هنر را با اندازه رسانید که کسی خط او را از خط با قوت مستعصمی فرق نمیتوانست. چنانچه بهمین مناسبت معروفست که وی مدتی شاگردی باقوت را نیز نموده ولی این حرف بکلی غلط و بی اساس ثابت می شود زیرا با قوت در ۶۶۷ هجری وفات کرده و در بین او و عبدالله شپز تقریباً یکصد و پنجاه سال فاصله موجود بوده است.

عبدالله کاتب: هراتی الاصل و از خطاطان معروفست معلوماتی در باب زندگانی او بدست نیامده تنها اینقدر معلوم است که در ۸۴۹ وفات کرده است (۲)

عبدالقادر هراتی: علاوه بر آنکه از خطاطان و خوشنویسان معروف کشور

است و در چندین خط مقام استادی داشت و موسیقی را نیز نیکو می نواخت و شعر هتین هم می گفت پس از اكمال تحصیلات ابتدائی و انتهائی در هرات به اوایل جوانی رهسپار بغداد گردیده و نظر به لیاقت و اهلیتی که داشت سلطان احمد جلایر پادشاه آنوقت او را بدر بار خود بار داد و از جمله مقربان خود گردانید چنانچه در مجالس خصوصی آن سلطان حق مداخلت داشته و همیشه از طرف او به اسم یار عزیز خوانده میشد. چون سلطان احمد جلایر که آخرین پادشاه سلاله جلایر است وفات نمود، خواجه عبدالقادر هراتی دعوت میرزا میرانشاه بن تیمور که از سنه ۸۰۷ الی سنه ۸۱۰ در آذربایجان و عراق حکمرانی داشت قبول نموده به حلقه اطرافیان او در آمد و هنگامی هم به دربار خود تیمور کورگان راه یافته بود در سنه ۸۳۸ هجری وفات نموده است.

خواجه عبدالقادر گوینده: در انواع فضایل شهرت کامل داشت. و در موسیقی و علم موسیقی و همچنان در علم ادوار از سر آمدان عهد خود بود. در قرائت و تلاوت قرآن عظیم الشان و شعر سرائی و خوشنویسی بغایت اقتدار داشت. و در کتبه نوشتن بر روی سنگ بی مانند و بی همتا بود. در اوایل زنده گی به بغداد بود. بمصاحبست سلطان احمد جلایر بسر میبرد و سلطان از وی بسیار احترام نموده: زبزو محترمش میداشت چون سلطان احمد جلایر در گذشت خواجه عبدالقادر گوینده در سلك مصاحبان و ملازمان میرزا میر انشاء بن تیمور که در موقع حیات پدر و المی و حاکم عراق و بغداد بود در آمد و مورد نوازشات شاهانه و هنر پرورانه او واقع گردید. در موقعیکه میرزا میر انشاء نظر به عارضه دماغی که برای او پیدا شده بود بر پدر شو رید و امیر تیمور کورگان را متادب او پیش گرفت و اکثر اندما مصاحبان او را کشت خواجه عبدالقادر مجال یافته فرار کرد و بعد از چندی در لباس قلندران به نزد تیمور شتافته معذرت خواست و طلب عفو نمود تیمور هم او را نوازش کرده تحت تربیه خود بگرفت بعد از فوت امیر تیمور بملازمت پسر او شاهرخ میرزا در آمده در خدمت او کار میگرد تا آنکه در سنه ۷۳۸ هجری بمرض و باو طاعون مصاب گردیده در گذشت.

عبدالحق: از سبزووار هراست شش نوع خط را بعد کمال رسانیده بود و از اجله خوشنویسان بشمار میرود شرح حال او مجهول مانده و به استثنای آئین اکبری به هیچ ما خدی از او ذکر نشده است.

علاءالدین علی میکال: از وزرای قرن نهم هراست در زمان سلطان حسین بایقر زیست می کرد. این وزیر دانشمند علاوه بر آنکه به اکثر علوم و فنون آراسته بود در امور کشوری و مملکت داری نیز کفایت و لیاقت بزرگ داشت. خطش در حومی و زیبایی معروف بود و از جمله خوشنویسان زبردست به حساب می رفت. بقول خوند میر صاحب تاریخ حبیب السیر و کتاب دستورالوزراء از کارمندان دیوان شاهی سلطان حسین بایقر بود. ولی بعدها بر حسب صفات و سجا یابی نیک به رتبه وزارت ارتقا جست و تا اخیر عمر بدان رتبه رفیع اشتغال داشت (۱)

علاءالدین : از خوش نویسان هرات است در آئین اکبری در جمله اجله خطاطان

استعلیق ذکر شده است .

علی الحسینی : از خطاطان معروف قرن دهم هرات است و شخصیت او غیر از

میرعلی هروی است چندین خط ممتاز مخصوصاً استعلیق را فوق العاده خوش می نوشت ، در واقعات بابری به توفیق و سیف او گفته شده به قوت دست او معلوم نیست کسی گذشته باشد (۱) تاریخ تولد و سنه وفات او معلوم نیست نسخه از بوستان سعدی به خط او در موزه کابل محفوظ است که در سنه ۹۲۱ هجری قمری نوشته شده است و ازین معلوم می شود که تا او وسط قرن دهم هجری حیات داشته است .

عهدی : از هرات است با مولانا جامی (رح) معاصر بوده است شعر خوب میسرانمید

در کتبات و خوشنویسی نیز شهرت داشت (۲)

عینی : از هنروران فضایی هرات است که در او به تولد و پرورش یافته است ، میرعلی

شیرنوائی وزیر سلطان حسین بایقرا را با او آشنائی و دوستی کامل بود ، مولانا عینی علاوه بر طبع شعر دارای خط خوش و زیبا نیز بود ، استعلیق را خوب می نوشت و همواره به استنساخ دو و بن شعرای نامور اشتغال داشت میرعلیشیر در نزد کره معروف خرد از او یاد کرده است .

ع

غورانی (حافظ علی) : به تنها هرات در قسمت صنایع و ادبیات رولهای بزرگی

بزرگ کرده و مردان ناموری بوجود آورده است بلکه قدم به قدم و قریب به بقریه آن مردان بزرگی برطن تقدیم کرده و ناموران چیره دستی در صنایع ظریفه پرورش داده است .

از جمله توانمندان احی هرات که شهرت تاریخی دارند عبارتند از : جزوار غوریان

(۱) - ملارصحه ۱۷۸ - نامه ۱۳۱۴ کابل

(۲) - صفحه ۱۹۷ تذکره حسینی طبع لکنه نور

بادغیس، کرخ و غیره حافظ‌علی که یکی از خوشنویسان و خطاطان معروف هرات است تولد یافته غوریان میباشد. پدر او مولانا نورالدین محمد غوریانی است و چندین سال در زمان ابو تراب میرزا مقام صدارت و استادی او را دارا بوده است. حافظ‌علی چون از خانواده خیلی بزرگ و با رِسوخ هرات بود، تر بیه فوق العاده بلند داشته و به حسن خلق و طبع لطیف خیلی‌ها معروف بود و تعلیمات او در قسمت ادبیات و علم عروض، صنایع شعری بسیار عالی و بلند بود این مرد بزرگ که به خطاطی و خوشنویسی شهرت دارد نه تنها چندین خط را زیبا و قشنگ می‌نوشت بلکه تذهیب و شعر را نیز به حد کمال رسانیده بود. حافظ‌علی قرار معلوم باید در زمان تسلط سلطان ابو سعید (تقریباً ۸۷۰) تولد یافته باشد بهر حال شهرت و نام او در زمان سلطان حسین میرزا بلند شد. و قرا، یکی از قراین معلوم گردیده تا سنه ۹۳۰ که سنه تالیف حبیب السیر است حیات داشته است. چنانکه گفتیم حافظ‌علی شاعر زبردست نیز بود و مخصوصاً در صنایع شری او استاد بزرگ می‌خوانند و میگویند که به صنعت مقلوب مستوی که مشکلترین صنایع شعر و ادب است مهارت زیاد داشت از جمله آثار و اشعار مشهور او چندین قصاید است که به استقبال و تضمین قصائد سلمان فراوانی سروده است.

رتال جامع فرائیانی

فائض هراتی (۱) : هنرمند قابل و در خوشنویسی استاد ماهر بود، بر علاوه خوشنویسی به زبان عمده فارسی، عربی و ترکی معرفت و شناسائی کامل داشت. در خطاطی به تمام افغانستان و حتی در سراسر ترکستان و فارس و ماوراءالنهر شهرت زیاد حاصل نمود وقت خود را به نوشتن قطعات و ترتیب مرقات قشنگ و زیبا میگذرانید تا آنکه در سنه ۱۱۴۵ هـ وفات نمود.

فراهی : مولانا معین‌الدین الفراهی پسر دوم مولانا شرف‌الدین حاجی محمد فراهی بود. مولانا حاجی محمد در سلك اعظم فقهای زمان ابوالقاسم بابر شامل بود. برادر

بزرگ مولانا معین الدین ، قاضی نظام الدین نام داشت که در زمان سلطان حسین بایقرا قاضی دار السلطنه هرات بود معین الدین فراهی در بسیاری از فضایل و کمالات اظهار وقوف مینمود در زهد و تقوی درجه علیا داشت و اکثر خطوط را با نهایت استادی و قشنگی بر روی صفحه ک غذ نقش می بست بقول صاحب آئین اکبری درش خط از جمله استادان معروف بشمار میرفت () بعد از مرگ برادر خود یعنی قاضی نظام الدین بامر سلطان حسین میرزا بر مسند رسمی قضاوت در شهر هرات و بعد از يك سال استعفا داد تفسیر سوره یوسف مشهور به تفسیر نغمه کار و معراج النبوة از آثار و تألیفات گرانبهای اوست در سنه ۹۰۷ هجری م یض شده جهان را وداع گفت و در مزار خواجه عبدالله انصار به پهلوی برادر خود مدفون گشت

فرخ شاه (مولانا) :

هروی الاصل است (۲) ام در سمرقند تولد یافته در تخلص او در شعر منشی است . پدرش میرزا حسن نام داشت و به علاقه باندی و بند باقی امرار معیشت می نمود . فرخ شاه در کتب فضایل کوشیده و در خطوط و انشاء و معما دست خوب داشت . از عام سیاق نیز بی بهره نبود از جمله خطوط نستعلیق را خوب می نوشت . روزی چند ویرا دو ملازمت شهزاده ابوالخیر سلطان تقرب حاصل شد . و به منصب انشاء قیام نمود ، چون آن شهزاده وفات یافت در شهر سنه ۹۸۷ ه خود را بملازمت شاهزاده سلطان اسفندیار افکنده در سلك ملازمان او داخل شد . و در اخیر حیات اختلال دماغ پیدا نمود .

فخر الدین :

غیر از اینکه از هنرمند هرات است در شعر و سخنوری نیز استاد بوده و در موعظه زبان گویا داشته است . اما کمال خوشنویسی او از پایه تحریر و تقریرش بیشتر

(۱) صفحه ۷۵ آئین اکبری . طبع هند .

(۲) مجمع الفصلا موافقه ملا محمد عارف متخلص به بقائی که در سنه ۹۹۶ کتاب خود را در اندخوی آغاز کرده و در هندوستان بهمد جلال الدین اکبر تمام کرده است نسخه مذکور متعلق به دوست فاضل آفری گویا اعتمادی است .

بود . بقول صاحب تذکره ریاض الشعر از زمان عوفی را دریافته و ازین قرار میتوان گفت که در حدود سنه ۶۰۰ الی سنه ۶۵۰ هجری قمری میزیسته است .

فخرالدین علی : پسر ارشد ملاحسین واعظ کاشفی هروی است در هرات تولد یافته و در زمان سلطان حسین بایقرا زنده گمی میکرد ، مانند پدر خویش در فن وعظ و خطابت شهرت زیاد داشت چنانچه در بن فن جانشین پدر گشت (۱) . مرد عالم فاضل و هنرمند بود و از مرافقین زبردست قرن نهم و یکه قرن دهم هجری هرات بشمار میرود . کتاب رشتحات عین الحیات در شرح احوال مشایخ نقشبندیه از آثار اوست (۲) .

گذشته ازین در خوشنویسی نیز از استادان بزرگ بود . طبع شعر هم داشت و مثنوی محمود و اباز او خیلی معروف است . بقول صاحب تاریخ سلسله تیموریان نام او فخرالدین علی رلقب او صفی بوده است .

ق

قاسم شادیشاه : از اعظم فضلاء و شاعران عالمیه و خوش نویس معروف است که در عصر سلطان ابوسعید کورگانی (که از سنه ۸۱۳ الی سنه ۸۷۲ در ماوراءالنهر و هرات سلطنت کرد) مرتبست . از جمله خطاطان و خوشنویسان معروف که با وی همعصر بودند یکی میرعلی هروی است که شرح حالش گذشت میگویند با میر موصوف همچشمی و رقابت داشته و همیشه در بین ایشان کشیده گمی بوده است . سنه فوت او معلوم نشد .

ک

کاتبی : مولانا محمد بن عبدالله متخلص به کانی یکی از خطاطان خیلی معروف هرات است و نام او ورد زبان ها می باشد . زیبایی خط و اسلوب کتبات او شهرت دارد و در هیچ ماخذ و مدارک شرح زنده گانی او ذکر نگردیده تنها

(۱) صفحه ۵۱۰ تذکره روز روشن طبع منه .

(۲) صفحه ۷۲ تاریخ سلسله تیموریان موافق شکرانی طبع طهران .

آتشکده آذر چند کلمه در باب او نوشته که آنهم بکلی مجمل است و از آن چیزی بر نمی آید. تنها اینقدر مفهوم می شود که مولانا کاتبی یکی از فضلالی معروف عصر خود بوده و در شاعری دست رس خوبی داشته است. آتشکده آذر میگوید (۱): «اسمش بوسف شاه و در هرات اوقات به کتابت میگذرانیده این مطلع ازوست:

ایچدا گشته که دوری زبر هممنفسان مادرین شهر باین روز تو در شهر کسان
مدفن او در استر اباد و در سنه وفاتش کمی اختلاف است بعضی سنه هشتصد و سی و هشت و برخی سنه ۸۳۱ هجری می گویند.

کافی: مرزا کافی از مردمان هرات در همین بلده فاخره تعلیم و تربیت یافته و خانواده او از جمله نجیب زاده گان هرات است. چنانچه پدر او به وزارت بدیع الزمان مرزا بن سلطان حسین بایقرا اشتغال داشت (۲)

مرزا کافی در ابتدا به تحصیل علوم و کمالات گماشته فنون متداول و وقت از قبیل ادبیات، عروض و خوشنویسی و غیره را آموخت.

خط مولانا کافی خیلی خوش و زیبا بود و نستعلیق او مخصوصاً رونق و روش تازه داشت چنانچه صاحب تحفه سامی او را چنین می ستایند: «در خوشنویسی مسلم روزگار و در انشاء سرآمد فضلالی بلاغت شعار بود». حقیقتاً انشاء و اشعار کافی خیلی بلند و بامزه بوده و هیچ کمی از اشعار شعرای استاد ندارد از اوست:

آمد بر من قاصد آن سرور سپهر آورد بهی تا نبود دست نهی

منهم رخ زرد خود بدان مالیدم یعنی زمرض نهاده ام روبه بهی

مرزا کافی در عصر صفویان میزیست و در زمان طهماسب شهرت نامی حاصل کرد و همیشه مصاحبت او با بزرگان و شهزاده گان زمان بود چنانچه سام میرزای صفوی در تذکره خود می نویسد (۳) «روزی با میرزای مذکور به باغ مراد هرات بطریق گشت رفته و در خانه که مشهور به بیت العشرت است

(۱) صفحه ۱۵۵ آتشکده آذر طبع بیبی

(۲) صفحه ۷۱ تحفه سامی طبع طهران

(۳) صفحه ۷۱ تحفه سامی طبع طهران

منزل کرده بودیم این روباعی و مطلع را در بدیهه گفته بدیوار خانه نوشت :

دردا که گل امیدم از باغ مراد هر گز بمراد دل غمگین نسکشاد
 افسوس ز هجر یار جانی افسوس فر یاد زدست تا مرا دی فر یاد

اگر چه کفی خوشنویسی و شاعری را به پایه بلند رسانید مگر بعد ها بمسلك عسکرت ذوق پیدا کرد و عسکر شد، هنگامیکه دامیش خان تربیت کننده ساه میرزا از طرف طهماسب حاکم و فرمانده عسکری و ملکی ریاست خراسان مقرر بود میرزا کفی صاحب منصب بوده تا آن که در وقوع جنگ های خونین که در بین عبیدخان بن محمود سلطان از (سلاطه شیبانی) و شاه طهماسب صفوی در سر تسخیر هرات و خراسان در گرفت در حمله دوم عبیدخان مذکور بشهر هرات در سنه ۹۳۲ بخانه خواجه حبیب الله نام که یکی از خوانین بانوق هرات بود، بدست ترکان مقتول گشت و چشم از جهان پوشانید.

کفایت : اسمش محمدجعفر و از خوشنویسان هرات است، پدرش محمد مقیم

خان نام داشت و محمد مقیم نبیره میرزا محمد حسین خان خوشنویس است که تر جمه حالش را در جای خودش مطالعه خواهند فرمود.

محمدجعفر کفایت مرد محاسب نیز بود از جمله خطوط تعلیق و شکسته را بهر ثبته اعلی رسانیده بود و در عهد خودش وی را از استادان خط می شمردند در زمان شاه جهان شاه مغلی هند زندگی می کرد و هم از طرف آن پادشاه به لقب کفایت خان رسیده بود و تقریباً بیست و پنج سال در دیوان رسمی مملکت هند مشاغل داشت و وفات او در ۲ رمضان ۱۰۹۵ هجری قمری در زمان عالمگیر به شهر شاه جهان آباد اتفاق افتاده است (۱).

کمال الدین حسین هراتی: معارف بواحد العین و قاری قرآن کریم و خطاط

معروف هرات است. شش رقم خط را استادانه می نوشت و در خط نستعلیق از سایر خطاطان هم عصر خود ماهرتر و استادتر بود. زمانی از هرات بمشهد و از آنجا بمق مسافرت نمود. طهماسب اول صفوی از ورود وی باخبر گردیده بدر بار خودش دعوت نمود. و مدتی به ازدوی مصروف خوشنویسی و ندیمی شد و در سنه ۹۷۲ در حالیکه میخواست بهرات مراجعت کند بمشهد رسیده مریض گردیده و ذر همانجا وفات یافت.

م

مجنون: اسمش میرعلی (۱) و اسم پدرش مولانا کمال الدین محمود (۲) با جمال الدین محمود (۳) متخلص به رفیقی است. از ناموران و صنعتگران معروف هراتست خطوط را فوق العاده نیک می نوشت، شخصی بسیار متواضع شکسته نفس و فقیر مشرب بود. اکثراً تذکره نویسان دوباره مجنون مرتکب اشتباهات زیاد گردیده اند. صاحب تذکره خوشنویسان اشتباهات و انحرافات و اشعار میرعلی هروی را تحت نام او ذکر کرده یعنی ممکن است او و میرعلی هروی را یک شخصی دانسته باشد. صاحب پیدایش خط و خطاطان او را هم عصر سلطان غازان (۶۹۴-۷۰۳) قرار داده و می گوید که از مشاهیر قرن هفتم هجری است.

حقیقت اینست که میرعلی مجنون شخص دیگر و میرعلی هروی کس دیگر است و مجنون در اواخر قرن ۹ هجری یا بعد از وجود گذاشته و در اواخر نیمه اول قرن دهم جهان را وداع گفته است هم عصر سلطان حسین بایقرا بوده و در حبیب السیر هم او را در ضمن علماء مشاهیر و خوشنویسان زمان سلطان موسوف ذکر کرده اند چندین خط متداول آن زمان را خوب می نوشت و از جمله استادان درجه اول بود چنانچه خود میگوید:

هر کس که بصفحه خطم دیده کشاد علم انسانی و دل بر خط دلبرانه مهوش نهاد
در عالم خط منم مسلم امروز استادان را چنین خطی دست نداد
علاوه بر خطاطی و خوشنویسی طوری که از رباعی فوق هم معلوم می شود طبع روان
و قریحه توانائی در شعر داشته این رباعی از اوست:

خوش آنکه بعشق مبتلا گردیده یکانه ز خویش آشنا گردیده
بلباره کی از قید خرد وارسته در میکده های - ر ویا گردیده

در صنعت تذهیب و رنگ کردن صفحه کاغذ و ساختن سیاهی و رنگ های مختلف دیگر استاد زبردستی بوده است طوری که استنباط می شود بعد از مرگ سلطان حسین صفری بفارس کرده و در آنجا بواسطه خط خوش و طبع لطیفش مقام زرکی را به نزد شهزادگان صفوی مخصوصاً سام میرزا حایز گردیده بود یکی از استادان هراتی او در صنعت خطاطی و خوشنویسی اینست که با هر دو دست یعنی دست راست و چپ

(۱) صفحه ۴۹ تذکره خوشنویسان طبع هند. (۲) صفحه ۳۵۰ جلد سوم حبیب السیر.
(۳) صفحه ۲۱۵ پیدایش خط و خطاطان طبع مصر.

خطوط یکسان زیبا می نوشت خط توامان یعنی خط دو طرفه را او ایجاد نموده چنانچه خودش می گوید:

توأمان مخترع مجنون است کز قلم چهره کشائی ها کرد
ناشدم مخترع و صورت کش خطکم صور تکی پیدا کرد

از تألیفات مجنون سه رساله مستقل در اصول و قوانین خطوط است که اثر اول او رساله خط و سواد، دوم، قواعد خطوط سبعة و سوم، رسم الخط، نام دارد یکی از این رساله خود در ابناام سام میرزای صفوی اهدا کرده چنانچه خود شهزاده مذکور در تحفه سامی باین مسئله اشاره نموده است (۱)

آثار فوق الذکر او نه تنها در تعریف خط و اصول آن است بلکه حاوی نسخه های گرانبهایی در ترکیبات رنگها و ساختن سیاهی خوب می باشد از جمله در ترکیب یکی از رنگهای خوب جهت نسکا شدن خط زیبا می گوید:

رنگیکه صفای خط در آنست از آب و حناء و زعفران است

از جمله دلائلیکه ثابت می کند مولانا مجنون برخلاف قول صاحب پیدایش خط و خطاطان در قرن دهم هجری زنده گی می کرده با سلطان حسین ایقرا هم عصر بوده است اینست که خودش در ماده تاریخ رساله رسم الخط میگوید:

چو از رسم خطش تاریخ دادم از انش نام رسم الخط نهادم

بحساب ایجاد رسم الخط سنه ۹۴۰ را نشان میدهد.

مجنون هر کتابی را که استنساخ می نمود تاریخ اتمامش را نوشته در اخیر آن به طور واضح امضا می نمود چنانچه مجموعۀ خطوط او که جها نکیر پادشاه هند آنرا بصورت مرقعی تدوین نموده بود به امضای روشن و مزین بود. (۲)

امروز از نمونه های خطی مجنون و همچنان از نسخه های رسائل و تألیفات او کمتر اثری بدست می آید از مصنفات و آثار او تنها دو نسخه در بریتش موزیم لندن موجود است یکی نسخه قلمی رسم الخط و دیگری خط و سواد در سنه ۹۰۰ هجری و هات (۳) کرده است. (باقی دارد) علی احمد نعیمی

(۱) صفحه ۸۴۹ تذکره تحفه سامی طبع طهران (۲) صفحه ۴۴ تذکره خوشنویسان طبع هند
(۳) صفحه ۵۴ تذکره خوشنویسان طبع هند